

شهادت

حضرت رقیه علیها السلام

الهام موگوئی


بسم الله الرحمن الرحیم

شهادت حضرت رقیه علیهاالسلام

نویسنده:

الهام موگوئی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شهادت حضرت رقیه علیهاالسلام

مشخصات کتاب

نویسنده : الهام موگوئی

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

عمه، بابایم کجاست؟اسارت دشوار و یتیمی دردی عمیق است. یک سه ساله، چگونه می تواند تمام رنجِ تشنگی و زخم تازیانه اسارت و از آن بدتر، درد یتیمی را به جان بخرد، آن هم قلب کوچکِ سه ساله ای که تپیدن را از ضربانِ قلب پدر آموخته و شبی را بی نوازش او به صبح نرسانده است. امّا... امّا او رقیه حسین است و بزرگی را هم از او به ارث برده است. رقیه پس از عاشورا، پدر را از عمه سراغ می گیرد و لحظه ای آرام ندارد، با نگاه های کنجکاوش از هر سو ـ تمام عشقش ـ پدرش را می جوید و سکوتِ عمه، سؤال او را بی جواب می گذارد و او باز هم می پرسد: «عمه، بابایم کجاست؟...»لحظه های بی قراراین جا خرابه های شام، منزل گاه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است. رقیه با اسیران دیگر وارد خرابه

می شوند، اما دیگر تاب دوری ندارد. پریشان در جست و جوی پدر است. امشب رقیه، فقط پدر و نوازش های پدر را می خواهد. امشب رقیه علیهاالسلام است و عمه، امشب رقیه علیه السلام است و سر بابا، امشب ملائک آسمان از غم دختر حسین علیه السلام در جوش و خروشند، امشب شب وداع رقیه علیهاالسلام و زینب علیهاالسلام است. او در آغوش عمه، بوی پدر را به یاد می آورد و دستان پر مهر او را احساس می کرد.گل نازدانه پدررقیه ...رقیه نجیب! ای مهتاب شب های الفت حسین! ای مظلوم ترین فریاد خسته! گلِ نازدانه پدر و انیس رنج های عمه!رقیه... رقیه کوچک! ای یادگار تازیانه های نینوا و سیل سیلی کربلا! دست های کوچکت هنوز بوی نوازش های پدر را می داد، و نگاه های معصوم و چشمان خسته ات، نور امید را به قلب عمه می تاباند.رقیه... رقیه صبور! بمان، که بی تو گلشن خزان دیده اهل بیت، دیگر بوی بهار را استشمام نخواهد کرد، تو نو گل بهشتی و فرشته زمینی، پس بمان که کمر خمیده عمه، مصیبتی دیگر را تاب نخواهد آورد.غربتِ خرابهیا رب امشب چه شبی است. در و دیوار فرو ریخته این خرابه غزل کدامین خداحافظی را می سرایند؟ زینب، این بانوی نور و نافله های نیمه شب، دستی به آسمان دارد و دستی بر سر رقیه؛ بخواب عزیز برادرم!باز هم رقیه علیهاالسلام و گریه های شبانه، باز هم بهانه بابا و بی قراری هایش، و این بار شامیان چه خوب پاسخ بی قراریِ رقیه علیهاالسلام را می دهند و سر حسین علیه السلام را نزد او می آورند.آن شب، هیچ کس توان جدا کردن رقیه علیهاالسلام را از سرِ بابا نداشت.

تو با سرِ بابا چه گفتی؟

چشم های پدر، کدامین سرود رفتن را برایت خواند که مانند فرشته ای کوچک، از گوشه خرابه تا

عرش اعلا پر کشیدی و غربتِ خرابه را برای عمه به جای نهادی.متاب ای ماه، متاب!امشب، غم گین ترین ماه، آسمان دنیا را تماشا می کند. آسمان! چه دل گیری امشب، گویی غم
مصیبتی به گستردگی زمین، قلبت را می فشرد. امشب فرشته های سیاه پوش، بال در بال هم، فوج
فوج به زمین می آیند و ترانه غم می سرایند. در و دیوار خرابه، از اندوه زینب علیهاالسلام ، بر سر و سفیر
می کوبند. امشب چشمه های آسمان، از گریه خونین زینب علیهاالسلام ، خون می بارد و چهره زمین از
وسعت اندوه، تاریک است. متاب امشب ای ماه، متاب! هیچ می دانی، امشب گیسوان پریشانِ
رقیه، به خواب کدامین نوازش رفته است؟ متاب که دردهای آشکار بسیار است. متاب که
زخم های بی شمار بسیار است. متاب که دل پر شرار زینب علیهاالسلام به شراره جدایی نازنینی دیگر، در
سوز و گداز است. متاب که امشب خرابه شام، از داغ سه ساله گل حسین، تیره ترین خرابه
دنیاست. متاب ای ماه، متاب!آرام نازنین عمهآرام نازنین عمه! آرام، مبادا شامیان صدای گریه و بی تابی دختر حسین را بشنوند. این خرابه کجا
و آغوش گرم و نوازش های مهربان بابا کجا؟ این سر بریده بابا و این دختر کوچک حسین. هر چه
می خواهد دل تنگت، بگو. بابا، امشب به مهمانی دلِ بی قرارت آمده، بگو از سیلی خوردن ها و
تازیانه ها و آتش خیمه های عصر عاشورا. بگو از درد غربت و محنت غریبی، بگو از
صورت های نیلی و اسیری و بیابان های بی رحمی. بگو از بی شرمی یزیدیان و کوفیان سست
پیمان و استقبال شامیان، آرام، نازنین عمه! آرام. اکنون تو، به مهمانی بابا می روی. سفر به
سلامت!اندوه هجرتامشب به وعده گاه نخستین باز می گردی. آن جا پدر و ملائک، به اشتیاق، در انتظار تو هستند.
امشب آسمان گرفته و تاریک است و باد خزان غبار مرگ می پاشد. گریه امان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
را بریده است و عشق از غم این هجران، و اندوه هجرت تو گل تازه شکفته و معطری که در قلب
بهار می پژمرد، زار می نالد، آرام و قرار زینب علیهاالسلام ، رفته است. سرانجام آن لحظه فرا رسید و

رقیه علیهاالسلام کوچک زینب (س)

از خاک تا افلاک پر کشید.تو را چه بنامم‌تو را چه بنامم، که ناب تر از شبنم های صبح گاه بر گلبرگ تاریخ نشسته ای. تو را چه بسرایم که
آوازه برکت و کرامت، موج وار، همه دل ها را به تلاطم در آورده است. تو را چه بنامم که بیش از
سر بهار در آغوش بابا، طعم زندگی را نچشیدی و مانند او، غریبانه از غربت این غریبستان خاکی
بار سفر بستی. پس سلام بر تو، روزی که به عالم خاکی گام نهادی و روزی که به افلاک پر کشیدی.میلاد نوگل امام حسین علیه السلام امام حسن مجتبی علیه السلام ، به برادرش امام حسین علیه السلام وصیت نمود که با ام اسحاق که همسرش بود
وصلت کند. امام حسین علیه السلام به سفارش برادر عمل کرد و ثمره آن ازدواج، دختر نازدانه ای به نام
رقیه شد. با تولد حضرت رقیه علیهاالسلام در سال ۵۷ قمری، مدینه نور دیگری گرفت و خانه کوچک
امام، گرمای تازه ای یافت. دیری نپایید که ام اسحاق جان به جان آفرین تسلیم کرد و رقیه کوچک
از نعمت مادر محروم شد. امام حسین علیه السلام او را در آغوش پر مهر خویش، بزرگ کرد و پیوسته به
خواهرش زینب علیهاالسلام سفارش می فرمود که برای رقیه علیهاالسلام مادر باشد و به او محبّت کند.بی مادری حضرت رقیه

علیهاالسلام ، پرستاری های حضرت زینب علیهاالسلام و سفارش های حضرت امام
حسین علیه السلام باعث شده بود، پیوندی عمیق، بین حضرت زینب علیهاالسلام و حضرت رقیه علیهاالسلام پدید آید.رقیه در کربلااز لحظه ورود کاروان به کربلا، رقیه لحظه ای از پدر جدا نمی شد، شریکِ غم ها و مصیبت های او بود
و با دیگر یاران امام از درد تشنگی می سوخت. یکی از افراد سپاه یزید می گوید:من در میان دو صف لشکر ایستاده بودم، دیدم کودکی از حرم امام حسین علیه السلام بیرون آمد، دوان
دوان خود را به امام رسانید، دامن آن حضرت را گرفت و گفت: ای پدر، به من نگاه کن! من
تشنه ام. این تقاضای جان سوز آن دختر تشنه کام و شیرین زبان، چون نمکی بر زخم های دل
امام بود و او را منقلب کرد، بی اختیار اشک از چشمان اباعبداللّه علیه السلام جاری گردید و با چشمی
اشک بار فرمود: «دخترم، رقیه! خداوند تو را سیراب کند؛ زیرا او وکیل و پناه گاه من است.»
پس دست کودک را گرفت و او را به خیمه آورد و او را به خواهرانش سپرد و به میدان
برگشت.رقیه و سجاده پدرگاه سجاده امام حسین علیه السلام ، با دست های کوچک حضرت رقیه علیهاالسلام باز می شد و او به انتظار پدر
می نشست تا می آمد و در آن سجاده به نماز می ایستاد و رقیه علیهاالسلام از آن رکوع و سجود امام لذت
می برد. در کربلا نیز رقیه علیهاالسلام ، هر بار هنگام نماز، سجاده امام را می گشود. ظهر عاشورا به عادت
همیشگی منتظر بابا بود، ولی پس از مدتی، شمر وارد خیمه شد و رقیه علیهاالسلام را کنار سجاده پدر دید
که سراغ او را می گرفت، آن ملعون نیز جواب این سؤال را با سیلی محکمی که به صورت کوچک
او نواخت، پاسخ گفت.رقیه در راه شامکاروان کربلا، از کوفه راهی شام شد، همان کاروانی که اهل بیت پیامبر بودند و به اسیری از کربلا
آورده شده بودند، در بین راه که سختی و مشکلات بر رقیه کوچک فشار آورده بود، شروع به
گریه و ناله کرد. یکی از دشمنان چون آن فریاد و ضجه را شنید، به رقیه علیهاالسلام گفت: ای کنیز، ساکت
باش؛ زیرا این با گریه تو ناراحت می شوم. آن حضرت بیشتر اشک ریخت، بار دیگر آن نامرد
گفت: ای دختر خارجی، ساکت باش. حرف های زجر دهنده آن مرد، قلب رقیه علیهاالسلام را شکست،
رو به سر پدر فرمود: ای پدرا! تو را از روی ستم و دشمنی کشتند و نام خارجی را هم بر تو
گذاردند، پس از این جمله ها، آن دشمن خدا، غضب کرد و با عصبانیت رقیه را از روی شتر بر
زمین انداخت.رقیه در خرابه شامبعد از ورود اهل بیت امام حسین علیه السلام به شام، آنان را در خرابه ای نزدیک کاخ سبز یزید جای دادند.
روزها آفتاب و شب ها، سرما به شدت آنان را اذیت می کرد. علاوه بر آن، نگاه مردم شام که به
تماشای خرابه نشینان می آمدند، داغی جان سوز بود. روزی حضرت رقیه علیهاالسلام ، به جمع شامیان که
در حال برگشتن به خانه های خود بودند، اشاره کرد و ناله ای دردناک از دل برآورد و به عمه اش
گفت: ای عمه، اینان کجا می روند؟ آن حضرت فرمود: ای نور چشمم اینان ره سپار خانه و کاشانه
خود هستند. رقیه گفت: عمه جان مگر ما خانه نداریم، و زینب علیهاالسلام فرمود: نه، ما در این جا غریبه
هستیم و خانه ای نداریم، خانه ما در مدینه است. با شنیدن این سخن، صدای ناله و گریه رقیه بلند شد.رقیه و خواب پدرسختی های
اسارت، رقیه علیهاالسلام را به شدت می رنجاند و او یک سره بهانه بابا را می گرفت، شبی در

خرابه شام و در خواب، پدر را دید، چون از خواب برخاست و چشم گشود، خود را در خرابه
یافت و از پدر نشانی ندید. از عمه سراغ پدر را گرفت و زینب علیهاالسلام بسیار گریه کرد و رقیه علیهاالسلام نیز با
عمه گریست. آن شب باز صدای عزاداری زنان اهل بیت بلند شد؛ مجلسی که نوحه سرایش
رقیه علیهاالسلام بود. از سر و صدای اهل بیت، یزید از خواب بیدار شد و پرسید چه خبر است؟ به او خبر
دادند که کودکی سراغ پدرش را گرفته است. یزید دستوری داد، سر پدرش را برای او ببرند.این دستور یزید نشان از رذالت و
شقاوت طینت او بود و برگی دیگر از دفتر مظلومیت های
بی شمار اهل بیت را گشود.پرواز به سوی پدروقتی به دستور یزید، سر پدر را برای رقیه علیهاالسلام آوردند، رقیه سر را در بغل
گرفت و عقده های دل
را باز کرد و هر چه می خواست با سر بابا گفت. آن شب رقیه علیهاالسلام ، گم شده خود را یافته بود، اما
بی نوازش و آغوش گرم. پس لب هایش را بر لب های بابا گذاشت و آن قدر گریست تا جان به جان
آفرین تسلیم کرد. پشت خمیده زینب علیهاالسلام شکست، رو به سر برادر فرمود: آغوش بگشا که امانتت
را باز گرداندم. دیگر کسی ناله های شبانه رقیه علیهاالسلام را در فراق پدر نشنید.وداع زینب علیهاالسلام با رقیه علیهاالسلام وقتی
کاروان اسیران کربلا، به مدینه بر می گشت، غمی جان کاه وجود زینب علیهاالسلام را می آزرد؛
چگونه از خرابه و شام دل بکند؟ نو گلی از بوستان حسین علیه السلام در این خرابه آرمیده، شام بوی
رقیه علیهاالسلام را می دهد، رقیه ای که یادگار برادر بود و نازدانه پدر و در دست زینب علیهاالسلام امانت.
زینب علیهاالسلام بی رقیه چگونه به کربلا و مدینه وارد شود؟ غم سراسر شام را گرفته و گریه ها، باز هم
سکوت شهر را در هم شکسته است.راز دل با پدرهنگامی که در خرابه شام، سر پدر را نزد رقیه علیهاالسلام آوردند، آن دختر
کوچك بسیار گریست و
سخنانی بر زبان آورد که شیون اهل بیت علیه السلام را بلند کرد و آتش بر دل زینب علیهاالسلام نشاند:پدر جان! کدام سنگ دلی
سرت را برید و محاسن تو را به خون پاکت خضاب کرد؟پدر جان! چه کسی مرا در کودکی یتیم کرد؟ پس از مادر از غم فراق او
به دامان تو پناه می آوردم و
محبت او را در چشم های تو سراغ می گرفتم، اکنون پس از تو به دامان که پناه برم؟پدر جان! پس از تو چه کسی نگهبان دختر
کوچکت خواهد بود، تا این نهال نو پا به بار بنشیند؟پدر جان! پس از تو چه کسی غم خوار چشم های گریان من خواهد بود؟پدر
جان! در کربلا، مرا تازیانه زدند، خیمه ها را سوزاندند، طناب بر گردن ما انداختند و بر شتر
بی حجاز سوار کردند و ما را اسیران از کوفه به شام آوردند.شام، حرم یادگار حسین علیه السلام رقیه کوچك و یادگار حسین علیه
السلام ، پس از رحلت در خرابه شام، همان جا مدفون گردید، کم کم
مقبره ای به روی قبر بی چراغ او ساخته شد و بارگاهی برای عاشقان شد. حرمش، میعادگاه
عاشقان دل سوخته اباعبدالّله است. بوی حسین، از هر گوشه اش روح و جان را می نوازد.
نیازمندان، دست حاجت به سویش دراز می کنند و خسته دلان بار سنگین دل را در کنار او
می گشایند. زیارت حرم و بارگاهش آرزوی هر دل داده ای است.شهادت حضرت رقیه در سروده شاعران
سوختم ز آتش هجر تو پدر تب کردم

روز خود را به چه روزی بنگر شب کردم

تازیانه چو عدو بر سر و رویم می زد

ناامید از همه کس روی به زینب علیهاالسلام کردم

* * *اشک یتیم

ای عمه بیا تا که غریبانه بگرییم

رو از وطن و خانه، به ویرانه بگرییم

پژمرد گل روی تو از تابش خورشید

در سایه نشینیم و به جانانه بگرییم

لبریز شرای عمه دگر کاسه صبرم

بر حال تو و این دل ویرانه بگرییم

نومید ز دیدار پدر گشته دل من

بنشین به کنارم، پریشانه بگرییم

گردیم چو پروانه به گرد سر معشوق

چون شمع در این گوشه کاشانه بگرییم

این عقده مرا می کشد ای عمه

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی

آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابـل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عـده ای خیر انـدیش اداره و تامین گردیـده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضـر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صـاحب اصـلی ایـن خـانه (قـائمیه) امیـد داشـته و امیـدواریم حضـرت بقیه الله الاـعظم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف تـوفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شـماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شـماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سـندش، از امام حسـین علیه السـلام -: هر کس عهـده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جـدا کرده است و از علوم مـا که به دسـتش رسـیده، به او سـهمی دهـد تا ارشاد و هـدایتش کنـد، خداونـد به او می‌فرمایـد: «ای بنـده بزرگوار شریـک کننـده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سـزاوارترم. فرشـتگان من! برای او در بهشت، به عـدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسـکری علیه السـلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یـک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشـتن بینـوایی ضـعیف را دارد و تـو او را از دسـتش می‌رَهـانی، یـا مردی نـاصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضـعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سـپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسـند زیـد: امام حسـین علیه السـلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخوانـد و او اجابت کنـد، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹